روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۰ • ۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ • ۱۳ جولای ۲۰۲۱

سال هجدهم • شماره ۴۰۵۰ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۴۲

اذان صبح فردا ۴:۱۶ • طلوع آفتاب ۵:۵۹

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

آب زاینده‌رود روز گذشته از سد نکوآباد رهاسازی شد و به مرکز شهر اصفهان رسید. عکس: خدیجه نادری، مهر

صاف و ساده

رسانه‌داری در عصر یکدستی

قادر باستانی
پژوهشگر ارتباطات و رسانه

رسانه رکن چهارم دموکراسی است و نحوه نگرش دولت جدید به مقوله رسانه، مشخص خواهد کرد که آیا رسانه‌ها دیده‌بان قدرت خواهند بود یا مجیزگو و توجیه‌گر اشتباهات دولت؟ بحث من در این یادداشت، رویکرد رسانه‌ای دولت سیزدهم است.

انتظار می‌رود رویکرد دولت، ملی باشد و انحصارزدایی از همه عرصه‌ها ازجمله رسانه را در دستور کار خود قرار دهد و مراقب جریان‌های نفوذ باشد که خللی در این رویکرد ایجاد نکنند. در گذشته، سیاست معمول اصولگرایان در حوزه رسانه، تلاش برای تک‌گویی و محدودسازی صداهای مخالف بوده است. نمونه مشخص آن سیاست‌گذاری سازمان صداوسیما است که این رسانه بزرگ و تأثیرگذار را به بلندگوی تبلیغاتی فاقد اثربخشی تبدیل کرد. به‌همین‌دلیل تلاش رسانه ملی برای جلب مشارکت بالای مردم در انتخابات یا تشویق جوانان به ازدواج و فرزندآوری، با شکست مواجه شده و به دلیل عملکرد غیرحرفه‌ای رسانه ملی، مرجعیت خبری به خارج از کشور انتقال یافته است. در رسانه‌های خبری وابسته به نهادها هم با وجود امکانات و تجهیزات منحصربه‌فرد، چندان موفقیتی حاصل نشده و نگاه غیرحرفه‌ای به نگاه حرفه‌ای رجحان داده شده است.

دولت ابراهیم رئیسی اگر بخواهد رویکرد رسانه‌ای‌اش را منطبق با سیاست‌های معمول اصولگرایان در دو دهه گذشته بنا کند، عملا خود را گرفتار رسانه‌های بله‌قربان‌گو و فاقد کارایی دیده‌بانی قدرت خواهد کرد. در چنین شرایطی، رسانه‌های فارسی‌زبان خارج، با دردست‌گرفتن ابتکار عمل، افکار عمومی را به سمت تقابل با دولت و توسعه تنش و درگیری سوق می‌دهند. برنامه‌ای که نمایندگان مجلس برای محدودسازی دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در دست اجرا دارند، صرفا باعث میدان‌داری رسانه‌های برانداز می‌شود و نسل جوان را به برخوردهای نامتعارف می‌کشاند.

نظام جمهوری اسلامی، برای ماندگاری نیاز جدی دارد که دولت سیزدهم کارآمد باشد و بتواند موفق عمل کند. این کارآمدی و موفقیت، در شرایطی محقق می‌شود که رسانه‌های بزرگ درون نظام، حرفه‌ای عمل کنند و در کنار پوشش درست توفیقات دولت، نگاه تیزبین و ضدفساد داشته باشند و با نقد و نظر، به دولت کمک کنند. اشتباهی که دولت احمدی‌نژاد کرد، اختیار رسانه‌هایی چون خبرگزاری جمهوری اسلامی و روزنامه ایران را به دست افراد ایدئولوژیک قرار داد و با این کار، دو رسانه پُرقدرت را از مدار اثربخشی خارج کرد.

مشورت من به کسانی که سیاست‌های بخش رسانه‌ای دولت ابراهیم رئیسی را تنظیم می‌کنند، آن است که اشتباه دولت نهم را تکرار نکنند. به رسانه‌ها نگاه پروپاگاندایی و بلندگوی تبلیغاتی نداشته باشند. افراد متعهد و خودی را فقط در مناصب سیاست‌گذاری بگمارند و اجازه دهند رسانه به دست حرفه‌ای‌ها اداره شود. از محدودسازی مخالفان اجتناب کنند و دست حمایت بر رسانه‌های منتقد داشته باشند. برای بازگرداندن مرجعیت

خبری از خارج به رسانه‌های داخلی، مخصوصا رسانه ملی، برنامه مشخص بدهند. از نفوذ خود برای اصلاح خبرگزاری صداوسیما و برگرداندن آن به مدار حرفه‌ای استفاده کنند. به روزنامه‌نگاری تحقیقی بها دهند و اثر عمیق آن را بر کاهش فساد در کشور ببینند.

بعد از جنگ، در اوایل دهه ۷۰ که رسانه‌ها جانی تازه گرفتند، یک تیم حرفه‌ای که فرد شاخص آن زنده‌یاد حسین قندی بود، راه‌اندازی رسانه‌های جدید را عهده‌دار می‌شد. استاد قندی، روزنامه‌نگاری حرفه‌ای بود. او در تأسیس روزنامه‌های جام‌جم و انتخاب، کارکرد حرفه‌ای یک رسانه اصولگرا را به نمایش گذاشت. اگر در دولت رئیسی، رسانه‌های بزرگی مانند خبرگزاری‌های فارس، تسنیم و مهر، روزنامه‌های کیهان، رسالت، جوان، همشهری، جام‌جم و البته رسانه ملی، از عملکرد جناحی فاصله بگیرند و حرفه‌ای عمل کنند، موفقیت و کارآمدی دولت را تضمین خواهند کرد.

افراد حرفه‌ای مثل استاد قندی، چه می‌کردند که افراد ایدئولوژیک نمی‌توانند بکنند؟ و این چگونه به دولت کمک می‌کند؟ پاسخ ساده است؛ روزنامه‌نگار حرفه‌ای، وظیفه خود را روایت تا حد ممکن دقیق، منصفانه، متوازن و بی‌طرفانه واقعیت می‌داند و به آن عمل می‌کند. افراد ایدئولوژیک، برعکس اخبار را آن‌گونه که دوست دارند اتفاق بیفتد، روایت می‌کنند. به همین دلیل گرفتار باتلاق خودساخته‌ای می‌شوند که مسئولان امر را از واقعیت دور و توهمات را جایگزین آن می‌کند.

نکته آخر مسئله رسانه‌های خارج از کشور است. پیشنهاد می‌کنم، دولت رویکرد شکست‌خورده گذشته را کنار بگذارد و به سمت تعامل برود. من معتقدم با رشد فناوری‌های ارتباطی، امکان خاموش و محدودسازی رسانه‌های بیرونی وجود ندارد. نادیده‌گرفتن و دشمن‌انگاشتن آنها هم تاکنون فایده‌ای در بر نداشته، بنابراین سیاست تعامل مؤثر با این رسانه‌ها سودمند خواهد بود. پیشنهاد می‌کنم برای رسانه‌های بیرونی امکان فعالیت در داخل و اجازه تأسیس دفتر نمایندگی در تهران داده شود. دیپلماسی رسانه‌ای و استفاده از توان رسانه‌های بزرگ بین‌المللی، گشایش‌های بزرگی برای دولت سیزدهم به ارمغان می‌آورد.

دنیا عوض شده است. دوره بستن و سدکردن و برخورد با رسانه به سر آمده و تکرار آن جز خسارت، چیز دیگری نصیب دولت و ملت نخواهد کرد. دولت اگر در چنبره تندروها گرفتار شود و با تئوری توطئه، همه را از خود براند، سرنوشتی بهتر از دولت نهم و دهم نخواهد داشت. رویکرد رسانه‌ای دولت جدید، پاشنه‌آشیل آن است. اگر درک کافی از تحولات بزرگ در فناوری‌های ارتباطی حاصل شده باشد، شاهد طرحی نو در مناسبات رسانه‌ای خواهیم بود، اما اگر در بر همان پاشنه بچرخد و نگاه حذفی حاکم باشد، سلسله شکست‌ها و توسعه تنش‌های فرساینده عصر یکدستی، بعد از ماه‌عسل شش، هفت‌ماهه به بار خواهد نشست. من امیدوار به نگاهی نو به رسانه در دولت جدید هستم.

دغدغه‌های طبیبانه

امتحان ارتقای رزیدنتی

عبدالرضا ناصرمقدسی
متخصص مغز و اعصاب

مشکلات رزیدنت‌ها در سیستم آموزشی ما انتها ندارد. قبلا هم در چند یادداشت به مشکلات این همکاران زحمتکش و بی‌ادعا پرداخته بودم. مشکلاتی که با اقدام به خودکشی تعدادی از رزیدنت‌ها و مرگ چند نفر از آنها به اوج خود رسید و همه را در اندوهی بزرگ و بهتی عمیق فروبرد. فکر می‌کردم حداقل در کوتاه‌مدت سیاست وزارتخانه مبنی بر کاهش فشار و استرس بر همکاران رزیدنت باشد؛ اما اندکی بعد و با برگزاری امتحان ارتقا مشخص شد که در بر همان پاشنه می‌چرخد و قرار نیست وزارت بهداشت از مواضع نادرست خود کوتاه بیاید. اصرار بر برگزاری امتحانی به این وسعت آن‌هم در شرایطی که در پیک کرونا به سر می‌بریم، هیچ‌گونه توجیهی ندارد. آن‌هم وقتی که بدانیم چنین امتحانی فی‌نفسه هیچ ارزشی ندارد و چیزی را ارزیابی نمی‌کند. وزارت بهداشت دلیل اصرار خود بر برگزاری این امتحان را لزوم ارزیابی رزیدنت‌ها عنوان کرده است. در پاسخ باید گفت که رزیدنت‌ها بارها و به صور مختلف ارزیابی شده‌اند و آنها کسانی هستند که در این شرایط کرونا بیشترین زحمت را می‌کشند، با کمترین حقوق بیشترین کار را انجام می‌دهند و درعین‌حال به جای قدردانی توهین می‌شنوند. چرا باید از آنها با یک امتحان کاملا غیراستاندارد، آن‌هم به این شکل و در این شرایط ارزشیابی صورت گیرد؟ متأسفانه در این ایام آن‌قدر سخنان غیرمستدل از سوی مسئولان امر شنیده شد که پرداختن به آن فقط تکرار مکررات است. در این یادداشت می‌خواهم به موضوع بسیار مهم‌تری بپردازم: آیا چنین امتحاناتی واقعا می‌توانند توانایی‌های یک رزیدنت پزشکی را ارزیابی کنند؟ اگر کسی در خانواده‌اش پزشک داشته باشد می‌داند که این رشته چقدر سخت و طاقت‌فرساست. پزشکی فی‌نفسه این‌گونه است؛ اما در کشور ما بعضی از موضوعات دیگر این سختی را چند برابر می‌کند. یکی از مهم‌ترین آنها لزوم حفظ‌کردن کتاب‌های چند هزار صفحه‌ای مرجع برای امتحان در سیستم دانشگاهی ماست. متأسفانه هرساله کتاب‌های مرجع توسط وزارتخانه به‌عنوان رفرنس دستیاری معرفی می‌شود و باز با کمال تأسف در امتحاناتی مانند ارتقا و بورد تخصصی همین کتاب‌ها مرجع طرح سؤال می‌شوند. معمولا هم طراحان محترم در کمترین زمان ممکن، دست به طرح سؤال‌هایی می‌زنند که در بهترین حالت می‌توان آنها را غیراستاندارد نامید. سؤال‌هایی پر از واژه‌هایی مانند درصد فلان چیز چقدر است و ژن فلان بیماری کدام است و کدام جمله درست است و درست نیست و کدام مورد کمترین اثر یا بیشترین اثر را دارد. نمی‌دانم کجای دنیا برای ارزیابی مهارت در علم پزشکی از یک رزیدنت می‌خواهند که کتاب مرجع را حفظ کرده و پاسخ دهد؟ واقعا نمی‌دانم چه زمانی قرار است سیستم آموزشی ما ارتقا پیدا کند و دانشگاه‌های ما به‌جای تهی‌شدن از معنا و افکندن بذر بی‌معنایی، پویا و سازنده شوند؟ یک پزشک به مهارت و هنر خود در درمان شناخته می‌شود نه اینکه یک کتاب مرجع را حفظ کند. نمی‌دانم حفظ یک کتاب مرجع که به‌راحتی می‌توان محتویات آن را در اینترنت و هزار مأخذ دیگر جست‌وجو کرد و دید چه ارزشی دارد؟ آنچه ارزشمند است توانایی درست استفاده از این اطلاعات بر بالین بیمار است، موضوعی که انگار هیچ جایی در ارزشیابی رزیدنت‌ها ندارد. وقتی معیار حفظ‌کردن حجم بالایی از مطالب باشد مشخص است که تمام فکر و ذکر رزیدنت‌ها هم به‌سوی آن خواهد رفت و وقت و عمر گران‌بهایی که باید در تقویت هنر و علم پزشکی صرف شود، صرف سیاست‌های غلط وزارتخانه‌ای می‌شود که به‌هیچ‌وجه حتی نمی‌خواهد در درستی کاری که می‌کند کوچک‌ترین شکی به خود راه دهد. با وجود تمام انتقادها روز جمعه امتحان ارتقا برگزار شد. هزاران رزیدنت در جلسه امتحان حاضر شدند. برای بعضی‌ها سخت و برای عده‌ای آسان بود. سختی و آسانی‌ای که هیچ‌چیز را ارزیابی نمی‌کرد. امتحان هم که تمام شد عده‌ای به خانه رفتند و عده‌ای به بیمارستان بازگشتند. درست است که روز جمعه بود اما برای شغل پزشکی، جمعه و غیرجمعه ندارد. حتی روزی نیست که سر راحت روی بالش بتوان گذاشت و همواره صدا و دغدغه بیماران همراه با انسان است. اینها چیزهایی است که یک پزشک یاد می‌گیرد و نحوه رویارویی با آنها زندگی‌اش را می‌سازد نه نکات ریزی که در پاورقی‌ها و جداول یک کتاب چند هزار صفحه‌ای مرجع آمده و مبنایی برای طرح سؤال می‌شود. واقعا امیدوارم در این مسئله یک بازنگری جدی شود.

پرنده آبی

دعوای ثروتمندان در فضا

ثروتمندان آمریکایی در سفر به فضا در حال رقابت هستند. ساعت ۱۷:۵۰ روز یکشنبه ۲۰ تیر اولین پرواز دارای خدمه شرکت ویرجین گلکتیک با حضور رئیس شرکت «ریچارد برانسون» آغاز شد و پس از گذر از فاصله ۸۵.۹ کیلومتری به زمین برگشت. پرواز این سفینه از طریق سایت این شرکت به طور مستقیم پخش شد. یک گروه موسیقی برگشت او را جشن گرفت و بسیاری از شبکه‌های تلویزیونی این رفت و برگشت را تحلیل و بررسی کردند. جف بزوس، صاحب کمپانی آمازون که خود قرار است یک هفته دیگر به فضا سفر کند و مدت‌هاست تبلیغات خاص آن را آغاز کرده است با طعنه به برانسون تبریک گفت اما ایلان ماسک با روی گشاده‌تری این سفر و بی‌وزنی و دیدار زمین از فضا را تبریک گفت. هرچند برانسون سعی کرد زودتر از بزوس به فضا برود، درواقع خبر سفر او به فضا زمانی منتشر شد که جف بزوس، بنیان‌گذار بلواوریجین، اعلام کرد ۲۰ جولای -هشت روز دیگر- به فضا خواهد رفت. هزینه یک صندلی در پروازهای بعدی شرکت ویرجین گلکتیک ۲۵۰ هزار دلار خواهد بود. البته برانسون که در گفت‌وگوی قبل از این پرواز از علاقه‌مندی‌اش به سفر به فضا گفته بود، اعلام کرده درصدد است تا هزینه این سفرها را کاهش دهد تا بسیاری این تجربه منحصربه‌فرد را داشته باشند. شرکت بلواوریجین جف بزوس هنوز هزینه سفر با فضاپیمای خود را اعلام نکرده است. به گزارش خبرگزاری‌ها رقابت در میان سرمایه‌داران فوق‌العاده ثروتمند برای سفر به فضا بسیار بالا گرفته است. در پرواز بزوس قرار است «ماری والاس والی فانک» ۸۲ساله نیز حضور داشته باشد و چهارمین صندلی متعلق به اوست. سه سرنشین دیگر این پرواز جف بزوس، برادرش مارک و یک برنده ناشناس که بلیت ۲۸ میلیون‌دلاری این پرواز را در یک مزایده خریده، خواهد بود. پرواز یادشده در کل ۱۱ دقیقه به طول خواهد انجامید. در واقع این تفاوت هزینه بین سفینه برانسون و بزوس توانست برتری شرکت ویرجین را افزایش دهد و درحال‌حاضر این نمایش فوق‌العاده با استقبال در شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو شده است.

روایت

یک قمه‌کشی دخترانه

زهرا مشتاق

● دیدن فیلمی از درگیری چند دختر نوجوان در شهر اصفهان به‌شدت ترسناک و نگران‌کننده به نظر می‌رسد.

این روزها ویدئوهای زیادی که حاوی مضامینی خشونت‌بار است، در شبکه‌های اجتماعی منتشر و پربازدید می‌شوند؛ مثل صحنه کشتن یک قلاده پلنگ، دهان و دست و پای بسته سگ‌هایی که به حال خود رها می‌شوند تا از گرسنگی بمیرند. کشتن توله‌خرس‌ها، دو خواهر و برادر کوچک که در حال کشیدن مواد با خنده می‌گویند کرونا را شکست می‌دهند. مثله‌شدن بابک خرمدین به دست والدینش در تهران. کشته‌شدن پدر یک خانواده به دست همسر و فرزندش و صدها فاجعه دیگر.

آیا همه این خشونت‌ها کافی نیست که نگاهی به دور و برمان بیندازیم؟ آیا هنوز زمان آن نرسیده که هشدارهای جامعه‌شناسان و روان‌شناسان را جدی بگیریم؟ فیلم دعوای این چند دختر نوجوان را می‌شود بارها و بارها دید و هر بار از حجم هولناک آن ترسید و درباره آن از زوایای مختلف بحث کرد و نوشت.

در دهه ۵۰ و ۶۰ فحش‌های زنان از مردان متفاوت بود. زن‌ها حتی اگر فحش می‌دادند، جنس کلمات رکیک نبود. مردان حرمت حضور زنان را درک می‌کردند و فحش‌های ناموسی نمی‌دادند. بیشتر فحش‌های زنان به وقت دعوا به کلماتی مانند سلیطه و لکاته و هرجایی و گیس و گیس‌کشی و جیغ و هوار محدود می‌شد، اما حالا... .

در ویدئو صدای قهقهه چند مرد که به نظر می‌رسد آنها هم جوان باشند، شنیده می‌شود. دیدن دعوای این چند دختر برای آنها تفریحی بادآورده محسوب می‌شود. آنها حتی در حین این نزاع، خودشان نیز کلمات رکیکی را حواله دخترها می‌کنند و پیشنهاد و خواسته‌های خود را شرورانه بیان می‌کنند. رهگذران بی‌هیچ دخالتی عبور می‌کنند و ناگهان یک هشدار جدی اتفاق می‌افتد. یکی از دخترها از شلوارش یک قمه بیرون می‌آورد. یک قمه واقعی که می‌تواند به‌آسانی یک فاجعه دیگر بیافریند. او قمه دارد و دختری از آن طرف دعوا چوب! دو طرف وقیحانه‌ترین فحش‌های ممکن را با صدای بلند وسط خیابان به هم حواله می‌کنند و هیچ‌کس مانع این نزاع تلخ نیست.

این دخترهای نوجوان که سر و وضع‌شان نشان می‌دهد از طبقه متوسط هستند، در چه خانواده‌هایی و در چه شرایطی تربیت شده‌اند؟ والدین آنها کجا هستند؟ آیا از وضعیت دختران خود و دوستانی که با آنها نشست و برخاست می‌کنند، آگاهی دارند؟ آیا خانواده‌های این دخترها، تلاشی برای بهبود روان بیمار بچه‌های خود کرده‌اند؟ این همه خشم از کجا می‌آید؟ چه مسیری از دختران نوجوان که زمانی همراه با شرم و حیا بودند، دخترانی این اندازه رها، پرخاشگر، بدون تربیت اجتماعی، گستاخ و دریده به وجود آورده است؟

آیا این فیلم شما را دچار هراس نکرده است؟ آیا دلتان نمی‌خواهد بچه‌هایتان را در جایی امن پنهان کنید؟ آیا نمی‌خواهید جلوی گوش‌ها و چشم‌هایشان را بگیرید تا شاهد صحنه‌هایی این اندازه وحشتناک نباشند؟ چه کار باید بکنیم؟ من واقعا ترسیده‌ام.

زنان

شکست در فوتبال و افزایش خشونت خانگی

رقابت‌های جام ملت‌های فوتبال اروپا با قهرمانی ایتالیا در خاک انگلستان و برابر انگلستان در بازی فینال به پایان رسید. پیش از این بازی هم البته مشهود بود که نتیجه‌ای جز پیروزی انگلستان در این بازی می‌تواند حوادث ناگواری را در انگلستان رقم بزند. تا اینجای کار که ویدئوهای فراوانی از بیرون‌کردن آفریقایی‌تبارها از بارها در اعتراض به خراب‌کردن پنالتی‌ها ازسوی سه بازیکن آفریقایی‌تبار، کتک‌زدن ایتالیایی‌ها در لندن و همچنین حملات نژادپرستانه به بازیکنان تیم ملی انگلستان منتشر شده است. دراین‌میان توجه به نتایج یک بررسی درخصوص ارتباط خشونت خانگی و نتایج مسابقات فوتبال در انگلستان هم توجه‌ها را به خود جلب کرده است. در مجموع آمار خشونت‌های خانگی و اعمال زور و کتک‌زدن زنان در خانه در زمان مسابقات فوتبال در انگلستان ۲۶ درصد افزایش پیدا می‌کند. این آمار در زمان باخت تیم‌های انگلیسی تا عدد ۳۸ درصد هم افزایش پیدا می‌کند. البته توجه به این آمار در توییتر موجب شده تا بسیاری دیگر هم از پژوهش‌های مشابهی در ایتالیا و استرالیا هم پرده بردارند. در انگلستان اما با توجه به سابقه خشونت‌های شدید تماشاگرانش و جریان‌های هولیگانی توجه به این خشونت‌ها بیشتر از جاهای دیگر است. در تحقیقی که در منچستر و در زمان ۸۰۰ مسابقه تیم‌های منچستریونایتد و منچسترسیتی صورت گرفته میزان مصرف مشروبات الکلی و همچنین گزارش‌های خشونت خانگی به‌شدت روند صعودی دارد.

اتفاق

یورونیوز: بوریس جانسون «ناسزاگویی‌های نژادپرستانه» علیه گروهی از بازیکنان تیم فوتبال انگلستان پس از شکست این تیم در برابر ایتالیا در فینال جام ملت‌های اروپا را محکوم کرد. انگلستان جام قهرمانی اروپا را با ازدست‌دادن پنالتی توسط چند بازیکن رنگین‌پوست از دست داد. مارکوس رشفورد در مرکز این حمله‌ها قرار دارد.

ورایتی: شان پن که با فیلم تازه خود «روز پرچم» به جشنواره بین‌المللی فیلم کن آمده، با انتقاد از سیاست‌های ترامپ گفت: «وقتی ما شب‌ها خسته از مراکز انجام آزمایش تشخیص و واکسیناسیون کرونا به خانه برمی‌گشتیم، با مشاهده اخبار دیوانه‌کننده، واقعا احساس می‌کردیم که فردی مسلسل‌به‌دست از کاخ سفید به ما شلیک می‌کند».

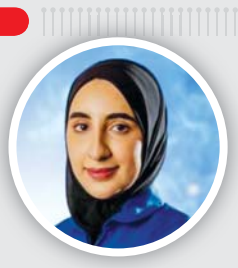

دویچه‌وله: نورا المطروشی، نخستین زن فضانورد دنیای عرب است. او که در رشته مهندسی مکانیک تحصیل کرده و می‌گوید: «فضانوردی رؤیای کودکی‌اش بوده است»، رؤیایی که حالا تا تحقق آن راه زیادی باقی نمانده است. امارات متحده عربی بنا دارد در چارچوب توسعه برنامه فضایی خود، دو فضانورد دیگر را آموزش دهد و به فضا بفرستد.

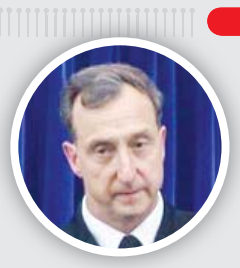

اسپوتنیک: ژنرال مارک مارتینز، دادستان ارشد متهمان حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی که در کل دولت‌های باراک اوباما و دونالد ترامپ خدمت کرده بود، کمتر از دو ماه پیش از بیستمین سالروز این رویداد مرگ‌بار بازنشسته شد. بازنشستگی‌ای که بسیار غیرمنتظره و ناگهانی بوده، چراکه مارتینز بارها بازنشستگی‌اش را به تعویق انداخته بود.

دیلی‌میل: تام کروز روز گذشته مرد اول مورد علاقه دوربین‌ها بود. او روز گذشته ابتدا به ورزشگاه برگزاری مسابقات تنیس ویمبلدون رفته بود تا فینال این رقابت‌ها بین نوواک جوکوویچ و متئو برتینی را ببیند. پس از پایان بازی فینال تنیس خودش را به ومبلی رساند و کنار دیوید بکهام نشست تا بازی فینال یورو ۲۰۲۰ را تماشا کند.

ایرنا: ترامپ در کنفرانس اقدام سیاسی محافظه‌کارانه (CPAC) در دالاس تگزاس، ادعاهای خود مبنی بر سرقت انتخابات را تکرار کرد که حتی شبکه فاکس‌نیوز آمریکا که زمانی از طرفداران سرسخت ترامپ بود، آن را دروغ خواند. رئیس‌جمهوری تندروی سابق آمریکا همچنین با ادعای تقلب گسترده در انتخابات ۲۰۲۰ به رسانه‌های خبری و اجتماعی کشورش حمله کرد.